



دوره هفتم تقنینیه

شماره

۹۶

مذاکرات مجلس

جلسه

۹۶

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه یکشنبه ۶

بهمن ماه ۱۳۰۸

مطابق ۲۵ شعبان

۱۳۴۸

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

داخله ایران سالانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تك شماره

يك قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۰۸ * (۲۵ شعبان ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--|
| (۱) تصویب صورت مجلس | (۵) تقدیم لایحه اضافه اعتبار پست هوایی |
| (۲) طرح و تصویب سه فقره مرخصی | (۶) شور دوم لایحه تامین مدعی به |
| (۳) طرح و تصویب لایحه راجع باعانه مدارس ملی | (۷) موقع جلسه آینده - ختم جلسه |
| (۴) طرح و تصویب لایحه معافیت مواد شیمیائی دفع آفت ملخ از تأدیة حقوق گمرکی | |

مجلس یکساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۹ دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

- | | |
|-----------------------|----------------------------|
| رئیس - آقای طلوع | رئیس - آقای زوار |
| طلوع - قبل از دستور | زوار - قبل از دستور |
| رئیس - آقای یاسائی | رئیس - آقای فیروز آبادی |
| یاسائی - قبل از دستور | فیروز آبادی - قبل از دستور |

* عین مذاکرات مشروح نود و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده است :

- غائبین با اجازه آقایان : فهیمی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - افندی - فراگوزلو - عباسمیرزا - یور محسن - بوشهری - دکتر امیر اعلم - جمشیدی - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - موخر - ملک مدنی - اورنگ - بروجردی - امیر حسین خان - اعتبار - مهدوی - کفائی - ارباب کبخیرو - رفیع - تبهور تاش
- غائبین بی اجازه : آقایان : میرزا حسنخان وثوق - آصف - اعظم - حبیبی - لرستانی - ناصری - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
- دیر آمده با اجازه : آقای شریعت زاده .
- دیر آمدگان بی اجازه : آقایان : مسعود - اسدی - بیات - مسعودی

رئیس - آقای فرخی

فرخی - قبل از دستور

رئیس - آقای حیدری

حیدری - قبل از دستور

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

جمعی از نمایندگان - دستور

فیروز آبادی - بنده مخالفم

طلوع - مخالفه مخالفم

رئیس - آقای طلوع بفرمائید

طلوع - عرض کنم در جلسات اخیر مجلس يك

حرفهائی در مجلس زده شده و يك سوء تعبیراتی هم

در اطراف آن حرفها در خارج شده بنده میخواهم

حقیقی را در مجلس شورای ملی عرض کنم استدعا

میکم آقایان اجازه بدهند عرایض خود را عرض کنم

رئیس - موافقین باورود در دستور قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

طلوع - خوب اجازه ندهید

رئیس - تصویب شد

[۲ - طرح و تصویب سه فقره مرخصی]

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عرایض و -

مرخصی رسیده است قرائت میشود :

خبر مرخصی آقای بیات

۱ - نماینده محترم آقای مرتضی قلیخان بیات از

پنجم دی ماه الی ۲۲ دی تقاضای مرخصی نمودند کدپیون
موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بهمان نظریه که داشتم و دارم
که باید حق و اجرت و هرچه که اسم میگذازند در
مقابل عمل باشد بهمان ملاحظه باز مخالفم و عقیده دارم
که این مجلس باید همه جا سرمشق بدهد که باید کار
کرد و اجرت گرفت یا حق گرفت یا هرچه گرفت کار
نکرده نباید چیزی گرفت بان ملاحظه بنده مخالفم و
عقیده ندارم .

رئیس - آقای زوار

زوار - (مخبر کمیسیون) بسته است به رأی مجلس

رئیس - موافقین با مرخصی آقای بیات قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . مرخصی دیگر قرائت میشود :

۲ - مرخصی آقای دهستانی

نماینده محترم آقای دهستانی از تاریخ ۲۸ آذر الی

۱۷ دی ماه تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با نظریه

ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده باز عرض کرده بهمان نظریه
که داشتم باقی هستم بخصوص مرخصی هائی که موقعتش
گذشته باشد انسان یکماه دو ماه غیبت کند بعد بیاید
در مجلس اجازه مرخصیش را بخواهد !! یعنی مرخصی
گذشته را بخواهند گذشته که گذشت دیگر مرخصیش
یعنی چه ؟! معنائش معلوم است بنده با این نظریه مخالفم
و موافقت را وقتی ممکن است بکنم که يك تخصیصی از
حقوقشان بجهت مصارف خیریه قائل شوند .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - آقای دهستانی از نمایندگان هستند که همیشه

بأنجام وظائفشان مشغول بوده اند و میدانید که ایشان
اهل هیچ نوع تفریح و هوسها و مرخصی های
بیهوده نیستند از این جهت خوبست آقا هم موافقت فرمایند
رئیس - موافقین با مرخصی آقای دهستانی قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر قرائت میشود :

۳ - مرخصی آقای بیات ماکوئی

نماینده محترم آقای بیات ماکوئی از چهارم دی ۲۳
روز تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با تقاضای ایشان
موافق اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم همان نظریه خود را تعقیب

میکم و بدون استثناء مخالفم

زوار - در موقعیکه موکب شاهانه در آذربایجان

حرکت میکردند مقتضی بود که نماینده محترم آقای بیات

ما کوئی در التزام رکاب همیونی باشند برای عرض احتیاجات

لازمه محلی (صحیح است) و اینطور تشخیص داده شده

است که نماینده محترم آقای بیات ما کوئی هیچوقت از خدمات

خود غفلت نکرده اند و این هم یکی از خدمات مهم ایشان

بوده است از این نقطه نظر کمیسیون هم با مرخصی ایشان

موافقت کرده است .

رئیس - موافقین با مرخصی آقای بیات ما کوئی قیام

فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - طرح و تصویب لایحه راجع باعانه مدارس ملی]

رئیس - خبر کمیسیون معارف قرائت میشود :

خبر از کمیسیون معارف

کمیسیون معارف در تاریخ اول بهمن ۱۳۰۸ لایحه نمره

۲۷۱۸۰ وزارت معارف را تحت شور قرار داده و ماده واحده
پیشنهادی دولت با مختصر اصلاحی بترتیب ذیل تصویب و
تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید .

ماده واحده - بوزارت معارف اجازه داده میشود که
برای پرداخت اعانه مدارس ملی نظامنامه تنظیم و پس
از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجرا
بگذارد .

رئیس - فوریت این لایحه در جلسه قبل تصویب شده

است این شور اخیر است . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با این ترتیب کاملاً موافقه و بی

خواهش میکنم که آقای وزیر معارف يك نظریه را پیشنهاد

کنند که فرقی ما بین مدارس گذاشته نشود و بلکه بنده

عقیده ام این است که تفاوتی بین مدارس داخل و خارج

هم گذاشته نشود (احتشاه زاده - حضور میشود) چون

همه من يك مملکت و يك ملتند و باید بگذارند

از حقوق مشروع خودشان استثناء کنند و انشاء الله

امیدوارم آقای وزیر معارف و وزارتخانهشان ابتدا فرقی

نگذارند (احتشاه زاده - این شرایطی دارد) مگر يك

حیثیتی که عندالمقل و عندالمقلا قبل و بعث ترجیح باشد

آنها باندازه خودش و اگر همه را در نظر بگیرند بنده

کاملاً موافقم .

رئیس - آقای منک زاده فرمایشی دارید بفرمائید

منک زاده - چون بکمه زبیدی از آقایان اجازه

خواستند اند که در اینموضوع اظهار عقیده بفرمایند این

است که چون بنده هم عضویت کمیسیون معارف را دارم

و منتخرم اجازه میخواهم که يك توضیحاتی در این

باب بدهم آقایان مسبقند که توسعه معارف اخیراً در

ایران در نتیجه اقدامات عامه و معارف خواهان بوده

است و در تحت تأثیر يك احساسات مخصوصیکه در اول

مشروطیت برای مردم پیدا شده بود يك عده زبیدی مدارس
بنام مدارس ملی ب فداکاری و کمک اشخاص حقیقه حساس
و معارف خواه در مملکت تأسیس شد و در موقعیکه
دولت در سدد بر آمد يك عده مدارس دولتی تأسیس شدند
یا آن مدارس ملی را يك عدهشان که راضی بودند بمبدل

بمدارس دولتی بکنند و بودجه آنها و دخل و خرج آنها تحت نظر دولت باشد آنوقت بنده مخالف بودم و عقیده داشتم مادام که دولت وسائل از حیث بودجه و از حیث معلم بقدر کفایت ندارد که مدارس را یعنی تعلیمات ابتدائی را مجانی و عمومی کند در مملکت بهتر این است که این مدارس ملی را که تحت مراقبت يك عده اشخاص منور الفکر اداره میشد نگاهداری کنند و این مبلغی را که بمدارس دولتی اختصاص داده است بطور اعانه بمدارس ملی از روی استحقاقی که دارند بپردازد و همان وقت شاید حالا هم این عقیده را داشته باشم راجع باعانه که میدهند که بهترین رویه این است که از روی مسابقه داده شود یعنی دولت در نظر بگیرد که هر مدرسه که در آخر سال فرض بفرمائید ده نفر فارغ التحصیل میدهد بآن نسبت يك مبلغی در سال اعانه بآن مدرسه بپردازد و آن که دود ده تا میدهد دو برابر و آن که سه ده تا میدهد سه برابر و تصور میکنم که اگر این رویه را تعقیب کرده بودند میتوانستند يك نتایج بسیاری بیش از این نتیجه که فعلاً ایجاد شده است از این رویه که عرض کردم بدست بیاورند بعد که مدارس دولتی شد تصدیق بفرمائید که غیر ممکن است که يك مدارس که بودجه خودش را در نتیجه بدست آوردن يك مختصر وجهی که شاگرد ها میپردازند که باید تامین کنند بتواند رقابت کند با يك مدارس که بودجه آنها از طرف دولت پرداخته میشود و شاگرد ها هم تماماً مجانی هستند و متأسفانه در مملکت ما هم دیده اید که اتقدر ها منصف نیستیم که اگر استطاعت این را داشته باشیم که خرج مدرسه اولادهايمان را یا بستگانمان را بدهیم کمتر در نظر میگیریم و سعی میکنیم که از بودجه دولت استفاده کنیم...

کازرونی - در همه امور اینطوریم

ملك زاده - این است که يك مبلغی بر بودجه دولت می افزاید و بالاخره معلوم شد از برای وزارت

از این اعانه این بود که آقای وزیر معارف به کمیسیون معارف تشریف آوردند و در آنجا تقاضا فرمودند که يك تجدید نظری در نظامنامه بشود که بتوانند این اعانه را بطور مساوات ما بین مدارس ملی تقسیم نمایند در آنجا مذاکره شد که چون این تشخیص و این اختیار به کمیسیون معارف در آخر بودجه ۱۳۰۷ داده شده است و بودجه از برای یکسال است بنا بر این کمیسیون معارف حق ندارد در ۱۳۰۸ مجدداً وارد در این بحث بشود و این نظامنامه را مورد دقت و مطالعه قرار بدهند مگر اینکه از طرف مجلس شورای ملی اجازه بکمیسیون معارف داده شود. این است که آقای وزیر معارف این ماده را تنظیم کردند و بمجلس مقدس تقدیم کردند که مجلس این اجازه را بکمیسیون معارف بدهد و اگر مجلس این اجازه را بدهد امیدواریم که این اعانه بطوریکه آقای فیروز آبادی هم در نظر دارند بطور حق و بطور مساوات بمدارس ملی تقسیم بشود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده اصولاً البته با همه نوع کمکی که بمعرف بشود موافقم نهایت اعتماد را هم نسبت به آقای وزیر معارف داشته و اداره ولی مخالفت بنده از این راه است که عرض میکنم در ضمن هم یک سئوالی دارم. مخالفت بنده از این راه است که میترسم کم کم مجلس شورای ملی با اینکه این شبان شبان است ملاحظه می کنید که پیر شده و همانطوریکه پاره اختیارات و اقتدارات طبعاً از شخص پیر گرفته میشود یعنی همان اقتدارات جوانی حالا ما هم از مجلس شورای ملی داریم آن اقتدارات را سلب میکنیم...

چند نفر از نمایندگان - اینطور نیست

(صدای زنگ رئیس)

کازرونی - اجازه بفرمائید بنده عرض را بکنم بعد بفرمائید این طور نیست. چطور اینطور نیست؟ (فیروز آبادی - مریض شده) عرض میکنم که ما اصولاً وکیل در توکیل نیستیم این را تصدیق میکنید شما ما وکیلیم که خود ما هر کدامان مستقلاً در مجلس رسمی که با حضور تماشاچی منعقد

میشود قانون وضع کنیم و هر قانونی که برخلاف این مطلب باشد بنده عرض میکنم نمیدانم چه حالی دارد. چون بما نگفتند شما وکیل در توکیل هستید در يك موقع معین يك احتیاجات عمومی يك مقتضای برای شما ایجاد کرد که يك اختیاراتی بيك کمیسیون مخصوص داده شود و آنهم (مصدق جهانشاهی - سابقه دارد) در تحت عنوان موقت. آنهم موافقت شد و رفت اما حالا این بطوری مابسط شود که کم کم سیر کمیسیون هم اقتدارات مجلس را بآنها احاطه بدهیم بنده میترسم که کم کم از اینطور باشد در دوره آتی در ادوار آتی بسایر کمیسیون اختیارانی داده شود و ما يك مرتبه برای مدت دو سال تعطیل کنیم از این جهت بنده کاملاً مخالف هستم با دادن اجازه بيك کمیسیون مخصوص مثل سایر نظامنامهائی که وزارتتختم در حدود احتیاجات خودش می نویسد خودش نظامنامه بنویسد در تقسیم این اعانه این اصل را که بنده مخالفم بآن اگر چنانچه آقای وزیر معارف یا وزارت معارف خودش را محتاج بدانند که به مشورت بعضی کمیسیون معارف تهیه بکنند بکنند مانعی ندارد ولی در احاطه از طرف مجلس بآنجا بنده مخالفه و سئوالی هم که داشتم این بود که آیا این اعانه به مدارس ملی طهران احصاء و اختصاص دارد یا بولایات هم داده میشود اگر چنانچه منحصرأ بطهران داده میشود و از بودجه عمومی مملکت است البته دلیلی ندارد آنهایکه در مرکز نیستند از این فیض محروم بمانند استثناء هم البته نباید آقای وزیر محترم معارف قائل شوند. نباید توفیر بگذارند فیما بین اینکه در طهران باشد یا در حضرت عبدالعظیم همه اهل يك خاکند همه اهل يك خانه هستند همه داده میدهند همه استفاده میخواهند این است عرض بنده حالا راجع به فرمایش آقای ملك زاده يك شرح مبسوطی اظهار کردند راجع بنظریات خودشان بنده هم اگر موقع بود و مورد داشت نظریات خودم را عرض میکردم که عقیده دارم که وزارت محترم معارف این پولهایی را که از بودجه عمومی در راه توسعه معارف خرج میکند

منحصراً بطور اعانه بمدارس داده شود از روی يك ترتیبی که باندازه آن پولی که اعانه میدهند شاگرد بجائی بپذیرند بواسطه اینکه در اثر وضعیت فعلی وزارت معارف بکلی ایجاد مدارس ملی منسوخ شده و بنده هیچ انتظار ندارم که يك مدرسه ملی در ایران دائر شود.

وزیر معارف (آقای قراگوزلو) - بنده خوبسند شده که نماینده محترم آقای کازرونی بعضی مراتب را اینجا تذکراً فرمودند و بی مسئله که ما استجازه کردیم از مجلس شورای ملی يك مسئله خیلی سهلی است اشکالاتی ندارد. ما اجازه داشتیم در دو سال قبل که يك مبلغ اعتباری را تقسیم کنیم ما بین مدارس این اختیار را در بودجه آنسال در يك تبصره از خودمان سلب کردیم و اختیار را واگذار کردیم به کمیسیون معارف مجلس شورای ملی که نظامنامه تنظیم نمایند و روی آن نظامنامه این اعانه تقسیم شود و آن نظامنامه چون بموجب تبصره قانون بودجه بقوت خودش باقی بوده تا یکسال این است که اجازه میخواهیم از مجلس شورای ملی که بکمیسیون اجازه داده شود و این اعانه را تقسیم بکنیم و اینکه فرمودید منحصر بمرکز است یا ولایات هم هست البته منحصر بشهر طهران نیست ولایات هم هر کدام در محل خودشان يك اعتباری برای اعانه مدارس ملیشان دارند که در بودجه باسم و رسم معین شده است و بیک ترتیبی تقسیم میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

روحی - کافی نیست

افسر - کافی نیست

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده با موافقت کاملی که با اصل موضوع دارم یعنی با اعانه دادن بمدارس ملی لیکن از دو جهت مخالف یکی از طرف تنظیم این لایحه و دیگری از جهت

نتیجه در امتحان معلوم است در امتحانات سال گذشته با آن نضیقانی که بود مدرسه اسلام بیست و یک نفر داوطلب داشته هنده نفرشان تصدیق گرفته اند که از تمام مدارس بهتر بوده بتمام این مراتب نه مقرری را بداده اند و نه شهریه را پس از آنکه بمجلس نوشتند که بعد از سی سال باید مدرسه را منحل کنیم آقای رئیس به بنده و آقای اورنگ امر فرمودند خدمت آقای وزیر معارف شرفیاب شدیم تفصیل را عرض کردیم خدمتشان فرمودند که راپورت های خوبی از این مدرسه بمن ترسیده است از حیث تنظیمات مدرسه بنده استند کرده لیکن است خودتان تشریف بیاورید عدد را مشاهده کنید اگر مزبور هستیم تنظیمات را هم تشریف بیاورید ملاحظه فرمائید بعد بنده با آقای اورنگ رفتم دیدیم تمامه مفتشین در هر موقعی که آمده اند در دفتر مدرسه نوشته اند و شرحی تقدیر کرده اند از تنظیمات مدرسه که خیلی خوب است و علاوه امتحان هم که معلوم است عدد را هم شماره کردیم و خدمتشان عرض کردیم بعد از تمامه این مراتب باید تومانی از شهریه مدرسه دادند و مابقی را نداده اند و مدرسه الساعه قریب دو هزار تومان مقروض است و بنده عقیده دارم این است در نتیجه این مذاکرات آن مدارس که شهریه دولتی داشته اند و در همد سال پرداخته شده آنها را استثناء میکنند و همان شهریه را بآنها بدهند مابقی را مطابق نظامنامه هائی که مینویسند بدهند بعلمت اینکه این شهریه های دولت است مثل سایر تعهدات دولت است مثل مستمری و وظیفه است و بهمین عنوان هم داده میشود بنده عقیده دارم این است که این را بر دو قسم کنیم در این لایحه آن مدارس که شهریه دولتی داشته اند آنها را عیناً بپردازند و آن قسمتی که نداشته اند مابقی را بین آنها بیک ترتیبی که تبعیض نشود تقسیم نمایند این است عقیده بنده

وزیر معارف - اینکه آقای مؤید احمدی فرمودند که نظامنامه طوری تنظیم شده است که بعضی از مدارس

از اعانه محروم شده است وقتی که نظامنامه تنظیم میشد خودشان در کمیسیون معارف تشریف داشتند يك شرائطی برای مدارس که اعانه میگرفتند قائل شدند خوب اداره شدن این کفایت نمیکند باید مدرسی که بهتر تنظیم داده باشند آنها را مقدمه داشت. عرض کنم مدرسه اسلام که فرمودند خیلی خوب است و تقصیر هم ندارد و بی آن مدرسی که اعانه گرفتند بهتر از مدرسه اسلام تنظیم شده بوده و بهتر اداره شده بود و اینکه فرمودند آن مدرسی که اعانه دولتی گرفته اند تمامه مدارس اعانه دولتی میگرفته اند و هر سال هم میگرفته اند و اختیار دادن اعانه هم به وزارت وقت بوده بهر مدرسه که میخواست میداد و بهر مدرسه که نمیخواست میداد و بی حالا به این ترتیب يك قاعده و نظمی خواهد بود که تحت آن قاعده و نظم این اعانه تقسیم خواهد شد.

رئیس - آقای وثوق

آقای سید مرتضی وثوق - بنده در موضوع صحبت نیستیم خیلی هم تشکر میکنم که از طرف وزارت معارف این اقدام شده است که اعانه مدارس ملی در مد قبل از سال تنظیم و تدبیر شود و بی در تنظیم لایحه و پیشنهاد مده واحده بمجلس بنده مخالف و عت مخالف هم همین است که اصل این مده که بین شکل پیشنهاد شده تحصیل حاصل است زیرا در ذیل بودجه ۱۳۰۸ يك تبصره نوشته اند تقسیم اعانه بمدارس ملی بیدرطبق نظامنامه باشد که بتصویب کمیسیون معارف برسد آن نظامنامه را آوردند در کمیسیون معارف و تصویب هم شد و مخصوص از برای تقسیم اعانه در (۱۳۰۷) و (۱۳۰۸) يك رویه را در آن نظامنامه ایجاد کرده اند و از طرف مقام ریاست هم آن نظامنامه تصویبی بوزارت معارف ابلاغ شد حالا این ماده پیشنهادی بی است که بوزارت معارف اجازه داده میشود که برای پرداخت اعانه مدارس ملی که در بودجه سیصد و هشت بتصویب رسیده است نظامنامه تنظیم و پس از تصویب کمیسیون

معارف بموقع اجرا بگذارد این نظامنامه تصویب شده و آقای وزیر معارف و آقای آقا سید یعقوب هم آن روز در کمیسیون تشریف داشتند و در آنجا يك صحبتی کردیم و ایشان هم بيك اشکالاتی برخوردارند اگر مقصود این است که آن نظامنامه عملی نیست و ترتیب مواد آن نظامنامه طوری است که مثلاً سه ربع شاگردان در امتحان نهائی باید قبول شوند و این موضوع را بعد از آنکه وزارت معارف بموقع اجرا گذارده است دیده است عملی نیست همینطور که سایر شرایط که چون عملي نبود تشریف آوردند در کمیسیون معارف فرمودند که باید تجدید نظر بشود. ما در کمیسیون معارف گفتیم چون در ذیل بودجه يك تبصره است ما يك نظامنامه نوشتیم و تصویب کردیم اگر مقصود این است که برای تقسیم اعانه مدارس ملی در سنوات بعد يك نظامنامه نوشته شود که بتصویب کمیسیون معارف برسد که آن نظامنامه را هم ما نوشتیم حالا اگر میخواهید در مواد آن نظامنامه يك تجدید نظری بکنید و يك موادی بنویسید صریح و سرراست بگوئید و الا مجلس دیگر همچو اختیاراتی بما نداده است ما اینقدر اختیارات داشتیم که يك نظامنامه نوشتیم و ابلاغ کردیم حالا میخواهید کمیسیون معارف تجدید نظر بکند در آن موادی که وزارت معارف میداند عملي نیست؟ این است که برای این اشکال بنده يك پیشنهادی که یعنی يك ماده را پیشنهاد کرده ام بمقام ریاست که همین مقصود وزارت معارف هم بعمل میاید که میگویند بعضی مواد عملی نیست و باید تجدید نظر شود. بسیار خوب همین ماده را این طور پیشنهاد کنند که چون در نظامنامه که بتصویب کمیسیون معارف رسیده است بعضی مواد آن عملی نیست لذا مجلس بوزارت معارف اجازه میدهد که در مواد آن در کمیسیون تجدید نظر کرده و بموقع اجرا بگذارد.

دکتر ظاهری (مخبر کمیسیون معارف) آقای وثوق در اصل موضوع که موافق بودند فقط در طرز تنظیم ماده يك نظری داشتند و پیشنهاد کرده اند ولیکن کمیسیون

معارف و وزارت معارف حق نمیداد بخودش که آن اختیاری که در ذیل بودجه ۳۰۸ داشته آن را تعدیل بدهد و تصور میکرد اجازه خاصی را باید از مجلس داشته باشد معذک پیشنهادش در موقع خودش خوانده شود جواب عرض میشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

افسر - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فسر - چون يك كمته آقاي كازروني فرمودند كه اشتباه كردند و لازم بود توضيح داده شود اينكه فرمودند تقسيم اعانه مدارس ملي از وظائف وزير معارف است و چون مجلس پير شده اين اختيار را از او سلب کرده اند اينطور نیست تقسيم اعانه مدارس از وظائف مجلس است و مجلس هم آن را واگذار بکمیسیون معارف نموده است و هیچ مجلس پیر نشده و بقوت خودش هم باقی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده واحده نوشته شود مدارس ملی طهران اعم از ذکور و اذت

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض کنم توضیح زیادی لازم ندارد چون مقصود کمیسیون معارف و وزارت معارف هم همینطور بوده است که بنده پیشنهاد کردم یعنی مدارس ملی طهران اعم از ذکور و اذت عبارت گنگ است و نوشته است مدارس ملی و شامل مدارس طهران و ولایات هر دو میشود در صورتیکه مقصود این نیست اعانه های مدارس ولایات در متن بودجه است و برای توضیح بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم

مخبر - بلی

مقصود از تنظیم ماده واحده هم همین است زیرا که مدارس ملی ولایات اعم از ذکور و اذت همه باسم و رسم

در بودجه اعانه دارند و این اعانه از نقطه نظر مدارس ملی طهران است از این جهت چون منظور همین است قبول میکنم.

رئیس - بین توضیح قناعت دارید.

یاسائی - بنده حرفی ندارم آقای وزیر قبول کنند

ماده اصلاح شود

رئیس - قبول میکنید؟

وزیر معارف - بلی قبول میکنم که اضافه شود.

رئیس - پیشنهادی از آقای وثوق رسیده است

قرائت میشود:

پیشنهاد آقای وثوق

ماده واحده - بوزارت معارف اجازه داده میشود نظامنامه که سابقاً بتصویب کمیسیون معارف رسیده در مواد آن در کمیسیون تجدید نظر و پس از تصویب بموقع اجرا بگذارند.

رئیس - آقای وثوق

آقای سید مرتضی وثوق - بنده توضیحاتی عرض

بود که عرض کردم ولی آقای دکتر ظاهری که فرمودند کمیسیون معارف اختیار نداشته از برای ۱۳۰۸ نظامنامه بنویسد جوابش این است که در همان نظامنامه که از طرف مقام ریاست ابلاغ شده بوزارت معارف در همانجا تکلیف تقسیم اعانه را از برای ۳۰۸ معین کرده است چون وزارت معارف با اشکالات برخوردارند باید دنیا از مجلس اجازه بخواهد که کمیسیون معارف تجدید نظر در آن نظامنامه بکند این بود عرایض بنده

مخبر - در آن نظامنامه که راجع بتقسیم اعانه

برای ۱۳۰۷ منظور شده است چون سال تحصیلی نصف در ۳۰۷ و نصف در ۳۰۸ بوده از این جهت این نظامنامه بدو قسمت است و اما راجع باینکه اینطور پیشنهاد کردند که نظامنامه سابق درش شور بشود این

در اصل موضوع تفاوتی میکنند و بکلی ممکن است که يك نظامنامه دیگری نوشته شود لازم نیست که دست کمیسیون معارف و وزارت معارف بسته شود که حتماً همین نظامنامه را تجدید نظر نمایند ممکن است که نظامنامه نوشته شود یا عین آن نظامنامه را بدورند یا اینکه بکلی تغییر بدهند بهر صورت تفاوتی نمیکند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای وثوق را قبل

توجه میدادند قیام فرمایند:

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قبل توجه آمد پیشنهادی از آقای روحی

رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکند که همین نظامنامه سابق رای داده

شود و بقوت خود باقی بماند

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بدو میخواهم حقیقتاً از زحمات

آقای وزیر معارف تشکر کنم زیرا که جامعه ما يك جامعه بی صبر ریزی انتظاری است و همیشه میخواهند به عجله يك کاری پیدا کنند از هم کسب عجله بوردی اصلاح شود و واقعاً به امر وقت و دقت عریض شدند که امروز مدارس ملی بمسکنت يك سر و سامانی پیدا کرده و همه از حیث تنظیم و قیام رضایت بخش است بعداً راجع باین نظامنامه وقتی که این نظامنامه مطرح بود بنده خودم شرف عضویت کمیسیون معارف را داشته و در این نظامنامه خودم هم ذی نظر بوده ب يك زحماتی يك دقتهایی که خود آقای مخبر مسبقاً آقای دکتر مهدیخان هم تشریف داشتند این نظامنامه تدوین شد و ما غالباً عقیده داشتیم که شاید تا پنجسال این نظامنامه لا اقل بقوت خودش باقی بماند بجهت اینکه يك زحمتی را که برای یکسال نمیکشاند البته باید چهار سال پنجسال عمل کنند امروز یکمرتبه آمده اند و این را

رئیس - آقای طلوع

خلوع - در اصل ماده عرض دارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتی که دارم در اصلش

است و چون در اصلش مخالفه در فوریتش هم مخالفم

بین ملاحظه بنده عقیده ندارم بدو فوریت برود بکمسیون

که در آنجا يك مشوره بشود بعد برگردد

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنظر بنده در اطراف این لایحه بحث زیاد

کردن فایده ندارد حالا ممکن است در اصلش صحبت

کنند ولی بالاخره وقتی که ما قانون گذاریم و صد

هزار تومان اعتبار دادیم برای دفع مایع دیگر در گمرک

معطل نشود معنی ندارد اگر چه از نقطه نظر حساب

فرقی نمیکند ولی معطل گردنش خوب نیست

رئیس - موافقین با فوریت اول قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فوریت ثانی مطرح است

آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - موافقم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - موافقم

رئیس - موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

بیات - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که با اصل لایحه از روز

اول مخالفت بودم حالا هم مخالفم و خودم هم يك اندازه

اهل فلاحتم هر چند خواهند گفت که توسرحدات را

ندیده و ملخپایش از گنجشگ بزرگتر است صد هزار

صد هزار است حالا بنده عقیده ندارم که این

پولها داده شود و عقیده ام این است که خوب این

پول هم می رود آنجا و يك ملخپائی هم گرفته میشود

ولی هیچ فایده نداشته و نخواهد داشت و علاوه

بر این حالا يك سابقه شده است که هر چه چیز را

که میخواهند از گمرک رد کنند میگویند معاف باشد از

حقوق گمرکی خوب این معاف باشد فرقی نمیکند بقول

آقایان از این جیب بآن جیب است ولی این يك سابقه

بجهت اینکه بعدها شاید بعضی اشیاء مطرح را بناحق

مختلفه بیاورند و وارد کنند و بضرر دولت تمام بشود

بنده عقیده دارم که هم نظوری که بوده است این مواد

شیمیائی و چیزهائی که میخواهند وارد کنند همین مثل

سابق رفتار کنند که بیک محصور اشقی گرفته نشویم

با این ملاحظه بنده مخالفم و عقیده دارم این راهی مثل

چیزهای دیگر معمول بدارند و گمرکی که از این جنس

دولت بگیرد در واقع از این جیب بآن جیب است

معمول سابق رفتار بکنند

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده بعکس آقا با این لایحه کاملاً موافقم

خیلی هم خوشوقتم که يك دولت بیدار و آگاهی است که

ملخ هست و دارد با دسترنج زندگانی همان زارع و

بدبختی که شما طرفدارش هستید مبارزه میکند حیات

اورا دارد از بین میبرد البته يك دولتی آمده است

لایحه آورده است میخواهد ملخ را معدوم کند منتهی

مواد سمی که آورده است از نظر اینکه يك اختلاف

حسابی ایجاد نشود و يك اعتبار علیحده بنام آلات و

ادوات اینکار که از خارج آورده است نخواهد اجازه

خواستند است از مجلس و باید باین تشویق و ترغیب

و نیت خوبی موافقت بشود و این تقاضا پذیرفته شود

نه اینکه با این کیفیت آقا مخالفت کنند امروز هم

ملخ اگر ملاحظه فرمائید ضررش بیشتر بقسمت زارع

است مالک هم میتواند که باز يك خرجی داشته باشد

ولی زارع بدبخت را معدوم میکند و بنده با آن روح

پاکي که در آقا سراغ دارم و همیشه شما را طرفدار

ضعف و فقر میدانم این مخالفتین حقیقه قدری باعث

کدورت شخص من آقا شد که چرا باید در يك همچو

کار خیری مخالفت بکنید و البته باید خیلی تشکر

کرد که در این اندازه دولت مراقب است که

دولت ادویه سمی شده ملخ را فوراً از خارج می آورد

و برای ورود آن هم از مجلس می آید کسب اجازه میکند

قدری سبب گناه مندی بنده ز آقا میشود و باید در

مقابل این خوشوقتی کنیم و شکر گذاری نه مخالفت بنده

خوشمنده آقایان وقت خودتان را بیخود هدر نکنند

و مذاکرات هم کافی باشد این لایحه رأی بدهند و

بکارهای دیگر بپردازند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است

جمعی از نمایندگان - بل

رئیس - پیشنهادی از آقای یاسائی رسیده است قرائت

می شود:

پیشنهاد آقای یاسائی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم عبارت از سنوات ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ حذف شود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - توضیح زیادی لازم ندارد مقصود بنده این است که این معافیت اختصاص باین دو سنه نداشته باشد معلوم نیست که در سنوات خیلی بعد مثلاً هلیخ نیاید و ما احتیاجی بمواد سمی و چیزهایی که وسیله دفاع از ملخ باشد نداشته باشیم در هر صورت این خودش يك قانونی است هر وقت دولت خواست يك چیزهایی برای دفع ملخ وارد بکند از گمرک معاف باشد.

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که مانعی ندارد بنده هم موافقت میکنم از طرف وزارت فوائد عامه
رئیس - آقای زوار مخالفید؟

زوار - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ناصری مخالفید؟

ناصری - بله اما قبول کردند.

رئیس - منافاتی ندارد بفرمائید هنوز مجلس قبول نکرده است.

میرزا محمود خان ناصری - اصولاً البته باید همیشه هر وزارت خانه هر احتیاجی داشته باشد مطابق قوانین رای آن خرج اعتبارات تهیه کند در موقع لزوم آن خرج بوسیله آن اعتبارات آن را تامین کند البته هر

وزارت خانه لازم داشته باشد یک اعتباری باید درخواست بدهد که نظر باینکه این اعتبار کفاف نداشت برای اینکه این مخارج را بپردازند این لایحه را آوردند به مجلس و نظر باینکه بودجه ۱۳۰۹ هم البته دچار یک مضيقه هائی خواهد شد این است که بنده تصور میکنم مقصودشان ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ بوده است و از این بعد هر وقت که انشاء الله وضعیت مالی موافق دلخواه شد دولت مکلف است که اعتبارات خودش را پیش بینی بکند و موافق معمول رفتار بکند

رئیس - نسبت بماده واحده رأی میگیریم با ورقه یا حذف پیشنهادی آقای یاسائی اگر مجلس موافق نباشد رأی نخواهد داد (اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و سه ورقه سفید و چهار ورقه کبود تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین ۸۶ با کثرت ۷۳ رأی تصویب شد . *

[۵ - تقدیم لایحه راجع باضافه اعتبار پست هوائی]

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - لایحه است راجع باضافه اعتبار پست هوائی تقدیم میشود

[۶ - شورتانی لایحه تأمین مدعی به]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به تأمین مدعی به مطرح است شور تانی است

- اسامی موافقین - آقایان : حاج علی اکبر امین - ظفری - دربابی - محمد آخوند - کیا نوری - کاشانی - لاریجانی - مسعودی - شکدار - جلایی - امیر دولتشاهی - مقدم - فراگوزلو - منعی - ناصری - آقا حسین آقایان - اعتبار - احتشامزاده - عدل - هراز - طباطبائی دیبا - عباس میرزا فرمانفرمایان - ملک آرائی - عرفانی - اسعد - اسکندری - پانیزی - آیه الله زاده شیرازی - سهراب خان ساکنیان - یاسائی - بیات - حبیبی - اسفندیاری - وثوق - نجومی - عبدالحسین خان دیبا - زرک نیا - ایزدی - جلدی - محمد ولی میرزا - ظهیری - فتوحی - امیر تیمور - نوبخت - محمد علی میرزا دولتشاهی - حکمت - مصباح فطمی - ذوالقدر - شهادت - مسعود - فاضلی نوری - دبستانی - روحی - صادقی - طالبخان - دکتر لقمان - رهبری - خواجوی - دکتر ملک زاده - وهاب زاده - مصدق جهانشاهی - انبال - مؤید احمدی - افسر - آقا سید کاظم یزدی - امیر ابراهیمی - مجد ضیائی - فرشی - میرزا یانس - طباطبائی وکیللی - شریفی - اسدی - مولوی
- اسامی مخالفین - آقایان : طلوع - رحیم زاده - فرخی - فیروز آبادی

خبر کمیسیون قوانین عدلیه:

کمیسیون قوانین عدلیه پس از ختمه شور اول لایحه نمره ۱۶۸۴۶ تأمین مدعی به در مجلس شور ثانی آنرا در اولین جلسه خود با حضور وزیر عدلیه شروع و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را مورد دقت و مطالعه قرار داده با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند کمیسیون با در نظر گرفتن اوضاع و احوال جرح و تعدیلاتی در پیشنهادات واصله بعد آورده و بالاخره مواد ذیل برای شور ثانی مجلس شورای ملی تهیه و اینک تقدیم میدارد

ماده اول - از حین تقدیم عرضحال تا اعلان ختم محاکمه در مرحله بدوی (صلحیه یا ابتدائی) میتوان تأمین مدعی به را تقاضا کرد .

بعد از صدور حکم حضوری یا حکم غیابی که مدت اعتراض آن گذشته باشد نیز محکوم له بدوی میتواند از محکمه که حکم را صادر کرده است تقاضای تأمین محکوم بدرا بنماید و این در صورتی است که مدعی به قبلاً تأمین نشده باشد درخواست تأمین در محکمه استیضاف پذیرفته نمیشود
رئیس - ماده اول مطرح است. آقای کازرونی

کازرونی - البته آقایان تصدیق میفرمایند که در قوانین باید رعایت طرفین قضیه بشود و این قضیه مبتنی به در این لایحه راجع است به مدعی و مدعی علیه در اینجا اینطور نوشته که بمجرد ادعای مدعی هر مبلغی را که ادعا کرد تأمین مدعی به خواست مثلاً در اموال غیر منقول از قبیل خانه یا املاک یا اموال آنها چندان مؤثر در زندگانی مدعی علیه شاید نباشد لکن عمده و اهم منقذات و اختلافات راجع است بزندگانی عمومی مردم که عبرت از کسبه و نجار و اصناف و غیره باشند اگر چنانچه آقایان در نظر بگیرند وضعیت تجارت و کسب که در همین حین که يك نفر مأمور دولت آمد بجهت توقیف اموالش یا گرفتن ضامن از او وسایل چیزها در تحت عنوان مدعی به این آدم دیگر بکلی از اعتبار ساقط میشود گمان میکنم که رعایت

حال اینجور مردم در اینجا منظور نشده به مجرد اینکه یک کسی آمد ادعا کرده بایستی هر مبلغی را که ادعا کرده تأمین مدعی به او بشود و چه باید بکنند اگر تاجر است حجره اش توقیف بشود ما اش توقیف بشود ضامن از او بخواهند و بالاخره بنده نظر باطلاعی که از اوضاع تجارت و کسب دارم بطور قطع و جداً بحضرتعالی عرض میکنم که يك همچو تاجری که در همچو مرحله واقع شد اعتبار و تجارتش در معرض خطر است و هیچ چیزی هم جبران نخواهد کرد علاوه بر این اصل ادعا که خلاف اصل است آنرا تصدیق میفرمائید شما برای يك خلاف اصلی است اصولی قائل میشوید برای يك امری که هنوز نفی و اثباتش در حد تساوی است می آئید يك مجازاتی از برای مدعی علیه قائل میشوید که اموال او را توقیف کنند و او را در معرض خطر قرار بدهند بنده عقیده ام این است که این قانون نسبت بزندگان جمع و مخصوصاً کسبه و اصناف و تاجر که عمده و اهم داد و ستد مملکت در دست آنها است این ضمیمه است و از روی عدت و اخلاق جامعه نیست و اثرش هم خیلی بد است البته هر قانونی را که گذرانند شما قدرت دارید جداً اجرا میفرمائید لکن لازم نیست هر چیزی را انسان مجبور شود باز بقوه اجبر اجرا کند خیر باید قانون طوری باشد که احتیاجات اجبار کرده باشد احتیاج طرفین را برطرف نماید در نظر بگیرید گمان میکنم تصویب بشود که این قانون بموقع اجرا گذاشته شود .

وزیر عدلیه - بنده در موقع شور اول این قانون هم گمان میکنم که مقصود اصلی پیشنهاد این را عرض کرده هم توقیف عرض کرده که عرض ما از پیشنهاد این لایحه و تقاضای تصویب این است که مردم را عادت بدهیم که حساب روشن داشته باشند خوش حساب باشند بدهکار هم که هستند یا کتار بیایند با طابکار خودشان یا در سر موقع بپردازند و بدانند که اگر نخواهند بازی

در بینورند و از مواد قانونی سوء استفاده نکنند از برای آنها ضرر دارد. این اصل اولی بود که بنده عرض کردم الان هم در همان عقیده هستم و برای همان هم حالا آمده ایم این قانون را آورده ایم حالا شما میفرمائید وضعیت کسبه و تجار را در نظر بگیریم و از آنها آن رعایتی که بایستی بکنند نشده است آقا تاجر هم داند که بدهکار نیست اگر یک تاجری باشد که همه اش بدهکار باشد عقیده بنده این است که در بجزیره اش را ببندد برود یک کار دیگر بکند (صحیح است) بهتر است تاجر طلبکار هم هست و اغلب با هم معاملات دارند و در آنجا هم هست بعضی در قضایای تجارتی هم هست که قبل از این هم راجع به تأمین مدعی به ما بیشتر بحث می کردیم و بیستی بکنیم الان هم خیلی از دعوی تجارتی هست که نمی رسد بحکم برای اینکه شما اگر احصاء بحکم تجارت تهران را ملاحظه بفرمائید مجرد اینکه قرار تأمین را صادر کرد طرفین بپروند و با هم گذار می آیند و اغلب بحکم می رسد و این وسیله سریعی که ما قبلا در این موارد داشتیم می خواهیم یک قدری هم حالا تطبیقش بدهیم با سایر موارد. همانطور که عرض کردم همان تاجریا کسی که می فرمائید بکسی بدهکار است یا از یک کسی دیگر طلبکار است اگر شما این اصل را نخواهید در مورد آنها قرار بدهید بیشتر اسباب زحمت و اشکال میشود و بعقیده بنده طبقه که از همه طبقات بیشتر از این قانون استفاده میکنند طبقه تاجر است (صحیح است) شما ملاحظه بفرمائید آقا تجارت اساس روی پول نقد که نیست در هر جای دنیا که ملاحظه بفرمائید اساس تجارت روی اعتبار است اگر شما مطمئن هستید که امروز این مال التجاره را که بمن میدهند در سر موعدی که با شما قرار گذارده ام پول شما را خواهم داد و بر فرض اینکه من نخواستم بدهم بسرعت از شما خواهند گرفت شما اطمینان خواهید داشت و مال التجاره را هم بمن خواهید داد و من هم بواسطه همین وضعیت میتوانم یک زندگانی بکنم و یک فروشی داشته باشم یک متاعی در

تجارتخانه خوده داشته باشم و تجارت بکنم و استفاده هم ازش بپریم ولی اگر خدای نکرده شما آدمی بودید که این اطمینان را ایجاد نکردید با قوانین مالیاتی و دستگیره قضایی طوری بود که اگر شما آمدید و نخواستید بدهید مدتها وقت لازم باشد که طلب کار دنبال شما بدرد تصدیق بفرمائید که خیلی از معاملات از بین می رود چون غالب معاملات در این جا بسته است و اعتبار است و وقتی آن اعتبار از بین رفت آنوقت باید رسول نقد داد و بایستی اطمینان بپیدا کرد و تجارت با این ترتیب بدی از بین خواهد رفت پس اگر شما می خواهید تجارت کمات کنید باید این کار را هم بشنید که بسختی و سرعت در سر موقع و موعدی که باید پول را بدهند بدهند حالا می فرمائید بآیروند از شما می فرمائید ممکن است که یک وقت یک کسی بیاید و وجودش که سند دارد و باوجود اینکه تأمین می دهد معهود است ادعای بی رضی بکند و از برای این مسئله بیست شخصی یک اطمینان بدهد بنده عرض میکنم وقتی شخصی قانون را می نویسد باید برود و یک موارد ندوری را در نظر بگیرد قانون را باید برای اکثر موارد نوشت. بنده عرض میکنم اگر وقتی یک کسی آمد ادعای کرد بلاخره یک دلالی دارد و در اکثر موارد نمیشود گفت ادعای است بی و بی اساس پس بهتر این است که آقای نماینده محترم هم از نظر همان کسبه و تجاری که حقیقه خواسته اند نشان رعایتی بشود موافقت بفرمائید تا این ماده و این قانون بگذرد و بعد از این همان تاجر هم بتواند با هم معامله بکنند و اطمینان داشته باشند و هر بتوانند با مال بنده و جنبه عالی نسبه بدهند و معامله بکنند و اعتبار بدهند و اطمینان داشته باشند که در موقع هم می توانند پولشان را بگیرند

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده تصور می کنم (آقای مخبر توجه میفرمائید) این قسمت اخیر ماده که درخواست تأمین

در محکمه استیناف پذیرفته نمیشود زائد است چون وقتی که علل و دلائل تأمین را نگاه کنیم می بینیم تأمین مدعی به در استیناف بهتر و بیشتر لزوم دارد تا در ابتدائی زیرا اگر مدعی علیه در بدایت مادام که محکومیت خودش را نفهمیده این قدر در صدد اتلاف مالش نیست ولی اگر محکومیتش محقق شد در بدایت که رفت استیناف داد البته بیشتر در صدد اتلاف مالش خواهد بود علاوه بر یک قسمت در چند قسمت ممکن است این مسئله را تأیید کرد که در استیناف هم بشود تقاضای تأمین کرد. یک وقتی است یک حکمی که در محکمه بدایت داده شده ممکن است در محکمه استیناف تأیید شود و حالا اگر در آن جا بگوئیم نمیشود تأمین خواست ممکن است اما در مواردی که استیناف نقض میکند و تجدید رسیدگی میکند عین حال همان حکم اول را دارد مثل حال محکمه بدایت است زیرا قضائی که این قضیه را تعقیب میکنند غیر از قضات اولیه هستند و این مرجع ثانوی در نتیجه اختلاف نظری بوده که ایجاد شده و آن حکم اولی بدایت که نقض شده مثل این است که از نو شروع میشود در استیناف و بنا بر این باید قائل شد که میتوان تقاضای تأمین کرد و خود این امر هم چند صورت دارد یک وقت می بینید که در بدایت تقاضای تأمین کرده و رد کرده اند و حالا آمده است حکم در استیناف استیناف هم نقض کرده و تجدید رسیدگی باید بشود یا اینکه اصلا تقاضا نکرده است مثل همان موردی که بنده عرض کردم چون مدعی علیه تصور نمی کرده است که در بدایت محکوم میشود اصلا در صدد تلف مال نبوده است ولی حالا که در حالت محکومیت است و حکم از بدایت صادر شده است البته باید قائل شد که بتواند در صدد تأمین مدعی به در استیناف برآید بعلاوه یک ماده هم است که اینجا عرض میکنم. میگوید: اگر تقاضای تأمین کرد و رد کرد محکمه و مدعی ادله جدیدی پیدا کرد میتواند تا مادامی که مدت اعتراض نگذشته است از حق خودش تقاضای تأمین نماید. بنده عرض می کنم همین دلیل باید در استیناف هم این حق را داد و این جا هم همان جور است چون یکی از ادله جدیدی که در محکمه استیناف حاصل میشود این است که مدعی علیه قطع بمحکومیت خودش پیدا کرده و همین علت در صدد تلف مالش است این خودش یک دلیل قوی است برای اینکه بتواند تقاضای تأمین مدعی به در محکمه استیناف بکند و اگر این حق را دارا نباشد مالش تفریط میشود والا مقصود شما از تأمین مدعی به حاصل نمیشود و نقض غرض میشود و همان علل وجود تقاضای تأمین که در محکمه ابتدائی است در استیناف هم در موقعی که حکم بدایت نقض میشود وجود دارد و باید حق تقاضای تأمین را بهتر و بیشتر با داد که هم مال در معرض تلف و تفریط واقع نشود و هم مطابق یک ماده دیگر دلیل جدیدی برای او پیدا شده است که آن قطع مدعی علیه است بمحکومیت خود و تفریط کردن مال

(یاسائی) مخبر - عرض میشود این مذاکره در شور اول هم شد که باید تقاضای تأمین در محکمه بدایت و استیناف هر دو بشود و ماه در کمیسیون مجدداً مطالعه کردیم و هر طور حساب کردیم دیدیم که اگر این حق را سلب کنیم بجتهائی بهتر است اولاً یک اضافتی در این قانون هست و یک قودی از نقطه نظر ارفاق مدعی که در قانونی که الان مجری است نیست این جا نوشته شده است که اگر حکم غیر قطعی یا حکم غیابی که بعد از انقضای مدت اعتراض صورت قطعی پیدا می کند و قابل اجرای موقت است اگر محکوم له تقاضای تأمین کرد تأمین بشود این یک چیز تازه است در این قانون و یک ارفاقی بمحکوم له که اکثر مواردش هم این است که آن محکوم له مدعی است دیگر اینکه در ماده پنجم و ششم شما نوشته اید که تأمین مدعی به درسه مورد الزامی است یعنی اگر قاضی تخلف کرد جزء تخلفات انتظامی است

و میزنند بمحاکمه. نوشته اگر مستند دعوی سند رسمی باشد یا سند عادی دارای اعتبار سند رسمی شده است - یا اگر مستند دعوی سند عادی بود ولی مقرون بتضییع و تفریط است به اینکه سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بضرر وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین بدهد در این موارد الزامی است و قاضی نمیتواند رد کند. این صحبتی است که در اینجا هست تنها متوجه است بضرر دیگر که سند رسمی نباشد سند عادی هم نباشد باقرینه اینکه مدعی بدو عرض تفریط باشد صرف مدعی مدلل کند که مدعی به در معرض تفریط است در این دو فرض یا قاضی قبول میکند که نظر شما تأمین شده است یک فرضی هم دارد که در موردی که مدارک قویه و سند مثبت کافی نیست فقط بضرر اینکه مدعی بعد میگوید مدعی به من در معرض تفریط و تضییع است اینجا قاضی نظرش نگیرد و رد کند اینجا میگوید که قابل استیناف است والا در سایر مواردش الزامی است و مع هذا اینکه تأمین محکوم به را هم میتواند بکند بنده عقیده ام این است که در موقعی که اسناد مثبت کافی نیست تضییق بمدعی هم سزاوار نیست و صلاح نیست خوب اگر یک ادله که کافی باشد و قوی باشد یک استنادی که بامضی مدعی علیه در دست مدعی نباشد اینجا لزومی ندارد که تضییق شود بمرمدعی علیه و در مواردی هم که ادله کافی هست آنجا که شما فرض فرمودید که مدعی در محکمه بدایت محکوم له شده این اشکالی ندارد بالاخره تقاضا کرده با تأمین شده یا نشده اگر نشده است بعد از صدور حکم محکوم له تقاضای تأمین محکوم به را می کند و اگر هم در استیناف حکمش تنفیذ شد باز طوری نشده است یک فرضی هم هست که ممکن است حکم بدایت بیاید در استیناف نقض شود و خودش رسیدگی کند تصدیق می فرمائید بعد از آنکه نقض شد دو صورت دارد یا ملازمه دارد با یک حکم مجددی

یعنی وقتی که استیناف نقض و فسخ کرد حکم محکمه ابتدائی را بدون تراضی با اینکه خیر یک رسیدگی در فاصله کمی میکنند خیلی زود و آنقدرها هم طول نمی کشد در هر حال صلاح نیست که ما کار را در محکمه استیناف روی یک فرض خاصی که ممکن است پیش بیاید آنقدر بحث تراکم کار در استیناف بشویم - این نکته را هم آقای کیای نوری در نظر بگیرند کار را هم گفته شده است که بایستی ما متوجه بعمل و کار باشیم بالاخره به اینکه در قانون اساسی ما نوشته است که محکمه استیناف باید در مراکز ایالات بید باشد ولیکن خوب تقسیمات ایالاتی ما اینقدرها منظم نیست و غیر از ایالات در جاهای دیگر هم مثل همدان اصفهان ناصری و اینجا ها یک محکمه استیناف دارد بیشتر از این هم فرض نمیشود کرد که بودجه ملکاتی ما اجازه بدهد که مخارج قضائی بشنیم - تصدیق هم میفرمائید تراکم کار در محاکم بالا تر ضرر و فسادش بیشتر است و شکایت عمومی مردم را از بطوء جریان امور بید قطع کرد و ما الان در فکر هستیم که یک کار هائی بکنیم که قرار اساسا بمحاکم بالا سرود اصلا قرارها نرود بمحاکم بالا تر و اینها اساسا و اصلا یک چیزهای اعدادی است و مربوط بحق و بطلان حق و دعاوی مردم و این چیزها نیست بالاخره یک فراری را که محکمه نقیض اثباتا صادر می کند رد کند یا قبول کند این تأثیری در حق داشتن به نداشتن در محکمه بالا تر ندارد. ما تصور نیستیم که یک تصمیمی بگیریم راجع باستیناف همچو قرارهائی شما هم اصرار نداشته بشید که حتما این حق برای مدعی در استیناف هم باشد درست است شما وکیل طهران هستید وقتی که قانون می نویسد نباید طهران و خیابان لاله زار را در نظر بگیرید باید تمام مملکت را در نظر بگیرید شما فکر کنید که برای قراء و قصبات کوچک این دوسپه های امور باید دست بدست از نواحی مازندران استراباد گیلان قزوین تا زنجان تا قافلانکوه از آن طرف تا شاهرود و خراسان و تا نزدیک اصفهان و کاشان همه اینها باید بیاید طهران که یک حوزه استینافی است

بالاخره برای این قرارها و دوسپه ها کدهی احاله میشود بطهران دو ماهه سه ماه پنج ماه شش ماه باید صرف وقت بشود مردم زحمت بکشند قاضی و محکمه در زحمت باشد و هیچ هم بصرفه متداعین نیست و این ترتیب ترتیب خوشی نیست پس بهتر این است که ما سعی کنیم قرار هائیکه صادر میشود در همان مرحله بدوی باشد و یک نکته دیگری را هم بنده عرض میکنم که آقای کیای بیشتر توجهشان بمحکوم له یا مدعی بود که در استیناف ممکن است محکوم له بشود ولی تصدیق فرمائید که وقتی ما خواستیم قبول کنیم که در خواست تأمین مدعی به در استیناف هم باید بشود باید چیزهای دیگری را هم در نظر بگیریم اگر رد هم کرد باید قابل شکایت باشد اگر قبول هم کرد باز قابل شکایت باید باشد و این بیشتر بضرر مدعی ها است برای اینکه اگر تقاضای من راجع بتأمین مدعی به در استیناف هم قبول بشود آنوقت این یک چیز خیلی زنده میشود که ما یک صورتش را بیائیم و اجازه بدهیم که برود باستیناف ولی اگر چنانچه قرار بر علیه من صادر شد من حق اعتراض نداشته باشم آنوقت ممکن است نصف اینها دو مرتبه از استیناف بر گردد و فسخ شود در صورتیکه این هیچ لزوم و موجبی ندارد و بنده خیال میکنم شما هم موافقت کنید بهمین شکلی که در ماده نوشته شده است باشد و اینطور گمان میکنم بهتر است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است.

احتشام زاده - بنده مخالفم

رئیس - فرمائید

احتشام زاده - آقای کیای نوری راجع بحق تقاضای تأمین در مورد استیناف فرمایشاتی فرمودند و نماینده محترم آقای یاسائی هم در جوابشان فرمایشاتی فرمودند و بعقیده بنده اغلب فرمایشاتشان وارد نیست و اگر اجازه فرمائید در این باب بیشتر بحث و صحبت شود بهتر است که

شاید بیشتر و بهتر بتوانیم حق محکوم له را تأمین کنیم و در استیناف هم تقاضای تأمین را قائل بشویم رئیس - آقایانی که با کفایت مذاکرات موافقتند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادی از آقای وثوق رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکه بنده پیشنهاد میکنم که از ماده اول جمله یا حکم غیابی که مدت اعتراض آن گذشته است حذف شود رئیس - فرمائید

وثوق - بنده توضیحات زیادی ندارم کن میکنم

حکم غیابی که مورد اعتراض گذشته باشد همان حکم حکم حضوری را دارد و اینجا قید کردن اینکه حکم غیابی که مدت اعتراض گذشته باشد مورد ندارد حالا اگر توضیحی دارند فرمایند تا رفع اشکال بنده بشود

مخبر - اصغلاحا اینطور گفته میشود حکم حضوری

یعنی اینکه طرفین در محکمه حضور داشته باشند و حکم غیابی مراد حکمی است که یک طرفش غایب است و بعد از این که مدت اعتراض گذشت آن حکم حضوری خواهد بود ولی توضیحش در شور اول هم گفته شد ضروری ندارد که نوشته شود و استدعا میکنم که پیشنهادتان را استرداد فرمائید و بنده را از عده قبول پیشنهاد خودن حجالت بدهید

وثوق - بنده دسترد میدارم

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده است:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد می کنم در ماده اول در جمله درخواست تأمین در محکمه استیناف پذیرفته نمیشود بعد از کلام

همانطوری که نخواستیم این حق را بمستأنف بدهیم بمستأنف علیه هم ندهیم برای اینکه آن کسی که فرمودید محکوم له است می رود و از محکمه ابتدائی تقاضای تأمین مدعی به میکند دیگر مجدداً در محکمه استیناف اینکار را نمیتواند بکند و این اشکالی ندارد .

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای احتشام زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهادی از آقای کیارسیده است :

پیشنهاد آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم در صورت دلیل جدید و نقض حکم بدایت در رسیدگی استینافی تقاضای تأمین مدعی به پذیرفته میشود .

کیا نوری -- بنده پیشنهاد را میخواهم پس بگیرم چون آقای وزیر عدلیه میفرمایند در صورتیکه حکم باستیناف هم برود معذالك برای مدعی حق است که از محکمه بدایت تقاضای تأمین مدعی به را بخواهد و اگر این ترتیب باشد البته حفظ حق او در استیناف هم میشود در این صورت بنده استرداد میکنم

رئیس -- رای میگیریم بماده اول آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۷ -- موقع جلسه آتیه -- ختم جلسه]

رئیس -- از طرف غالب آقایان پیشنهاد ختم جلسه شده است (صحیح است) اگر موافقت میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز پنجشنبه دهم بهمن ماه سه ساعت قبل از ظهر (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

استیناف اضافه شود از طرف متسأنف .

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در دعوی بدوی مدعی که محکوم له واقع میشود در مرحله استیناف دلائلی پیدا می کند و موجباتی پیدا میکند برای اینکه درخواست تأمین بدهد در صورتیکه این درخواست را در محکمه بدوی نکرده است و همانطور که میگویند طرف چون محکومیت خودش را احساس کرده است در صدد تضييع مدعی به است و البته در اینجا بایستی برای يك چنین آدمیکه در محکمه بدوی محکوم له بوده است در اینجا هم تقریباً موجبات حقانیت فراهم است و در محکمه استیناف هم در جزو دلائلش خواهد گفت و محکمه هم حکم خواهد داد برای او باید حق بدهیم که اگر دید مدعی بهش در معرض تفریط است بتواند تقاضای تأمین کند و مخصوصاً بنده اضافه کردم که این حق را برای مستأنف قائل شویم که يك مدعی اگر در محکمه ابتدائی محکوم شود و از آن حکم محکمه ابتدائی استیناف بدهد آنوقت يك آدمی که در آنجا محکوم شده است مستأنف است در استیناف و بنده این حق تقاضای تأمین را برای مستأنف علیه قائل شدم چون در مرحله بدوی محکوم له بوده است و محکمه حکم بحقانیت او داده است در محکمه استیناف هم موجباتی برای تقاضای تأمین پیدا کرده است یعنی احساس میکند که طرف دارد مدعی به را تضييع و تفریط میکند این حق را با او بدهیم یا اینکه آقای وزیر عدلیه همیشه سعی دارند کاری بکنند که موجبات تضييع حق مدعی هائی که اغلب حق دارند فراهم نشود بنده تقاضا میکنم در این قسمت هم توجه بفرمایند و اگر زحمتی برای شان ایجاد نمیکند این پیشنهاد بنده را بپذیرند

وزیر عدلیه -- بنده تصور میکنم آقا لطف بفرمائید